

## حجاب در سیره بانوان منتسب به اهل بیت علیهم السلام

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی \*

### اشاره

برای اینکه بشر پله‌های ترقی را سیر کند، به الگو نیاز دارد؛ چنانکه خدای متعال در آیه ۲۱ سوره احزاب رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به عنوان الگو معرفی کرده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ». در برخی از موارد الگوها به زنان اختصاص دارد مانند اندازه حجاب بانوان. حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام یکی از الگوهایی است که بنا بر روایتی از امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، حتی بر معصومین علیهم السلام نیز حجت است.<sup>۱</sup> بنابراین آن حضرت الگویی شایسته و کامل برای بانوان در عمل به وظایف اختصاصی است که از سوی خدا معرفی شده است و در تمامی جهات زندگی و به‌ویژه رعایت حجاب و عفاف الگوی بانوان است. حجاب به عنوان امری فطری، مورد توجه ادیان و ملل پیش از اسلام بوده است. در ایران باستان، روم باستان، یهودیت و مسیحیت پیش از اسلام و نیز در جاهلیت عرب حجاب وجود داشته است. در جاهلیت عرب، زنان پوشش کافی داشتند؛ چنانکه علت جنگ فجار ثانی که در جاهلیت اتفاق افتاده است، مسئله حجاب است. ماجرا از این قرار بود که دو جوان از بانویی از قبیله دیگر می‌خواهند تا رو بند خود را کنار بزند، اما با ممانعت وی مواجه می‌شوند که این امر به جنگ میان دو قبیله منجر شد.<sup>۲</sup> حتی برخی زنان عرب از جمله هند بنت صعصعه، به خود افتخار می‌کردند که مقنعه خود را جز در مقابل چهار نفر از بستگان محرم خود باز نکرده‌اند.<sup>۳</sup>

\* مدرس حوزه و دانشگاه.

۱. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۲۸۶.

۲. محمد بن حبيب البغدادي، المنمق فی اخبار قریش، ص ۱۶۳.

۳. عبدالملک بن محمد ثعالی، ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب، ص ۲۱۹.

## حجاب در اسلام

اسلام به این هنجار اجتماعی قوام بخشید، اصل آن را تأیید کرد و جزء دستورات دین قرار داد، اما نسبت به ادیان دیگر تغییراتی در آن ایجاد و حتی نسبت به برخی از اقوام و نژادها حدود حجاب را کمتر کرد. مضامین آیه ۳۱ سوره نور گویای آن است که اصل حجاب حتی در جاهلیت عرب وجود داشته است. این آیه چگونگی قرار دادن روسری و روپوش را توضیح داده است، آنجا که می‌فرماید: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ؛ و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند». در آیه ۲۹ سوره احزاب نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ؛ ای پیامبر! به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند، این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک‌تر است». در این آیه به صراحت از جلباب (پارچه‌ای که سر و تن را بپوشاند) یاد شده است. برخی از لغت‌دانان عرب، جلباب را به معنای پیراهن و روسری دانسته‌اند.<sup>۱</sup> زمخشری با نقل روایتی از ابن عباس، آن را ردایی می‌داند که از بالای سر تا نوک انگشتان را بپوشاند.<sup>۲</sup>

ریشه جلباب از «جلب» است جلب خود سیاهی و فراگیر بودن را به همراه دارد، برای مثال هنگامیکه «جلب الیل» گفته می‌شود، منظور سیاهی فراگیر شب است.<sup>۳</sup> برداشت رفتار بانوان صدر اسلام نیز همین معنا را می‌رساند. در برخی از منابع آمده پس از نزول آیه حجاب، زنان انصار از خانه‌های خود بیرون آمدند، در حالیکه پارچه مشکی بر سر داشتند.<sup>۴</sup> شاید تصور شود که مکروه بودن پوشیدن لباس سیاه در اسلام این برداشت از واژه جلباب را منتقی می‌کند، اما این سخن درستی نیست؛ زیرا در روایات، چادر و عبای مشکی از حکم کراهت استثنا شده‌اند: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَكْرَهُ السَّوَادَ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ الْخُفِّ وَالْعِمَامَةِ وَالْكِسَاءِ؛<sup>۵</sup> رسول خدا ﷺ سیاه‌پوشی را مکروه می‌دانست، مگر در سه مورد: کفش، عمامه و عبا».

ویژگی دیگر پوشش مورد تأکید اسلام برای زنان، تنگ و چسبان نبودن آن است؛ چنانکه در

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲. «وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: الرَّدَاءُ الَّذِي يَشْتَرُ مِنْ فَوْقَ إِلَى اسْفَلٍ»؛ محمد بن عمر زمخشری، الکشاف عن

حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ج ۳، ص ۵۵۹.

۳. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۷۰.

۴. سلیمان بن اشعث ابی داود سجستانی، سنن بی داود، ج ۴، ص ۱۴۶۰.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۴۹، باب (لبس السواد)، ح ۱.

روایات آمده است: «لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُجَمَّرَ تَوْبَهَا إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا»<sup>۱</sup> سزاوار نیست بانوان هنگام خروج از خانه لباس خود را جمع و فشرده کنند». از دیگر ویژگی‌های لباس بنا بر موازین اسلامی، بدن‌نما و نازک نبودن آن است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله به عایشه تذکر داد تا به خواهرش اسماء بنت ابوبکر تذکر دند که لباس رفاق یعنی بدن‌نما نپوشند.<sup>۲</sup> همچنین بنا بر روایات اسلامی، پوشیدن لباسی که جلب توجه کند یا زیورآلاتی به لباس متصل باشد که صدا داشته باشد، ممنوع است.<sup>۳</sup> بنا بر روایات، حجاب برای زمان خاص و مکان خاصی نیست؛ بلکه در همه زمان‌ها و در مقابل همه مردان غیر از جمع محارم باید رعایت شود. از همین روست که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «هر زنی که مقنعه خود را در غیر خانه شوهرش (در جمع نامحرمان) درآورد، پرده حجابش را دریده است».<sup>۴</sup>

آیات و روایات فوق، دستور اسلام درباره حجاب و نوع پوشش زنان در صدر اسلام را مشخص می‌کند. روشن است که بیان نوع پوشش آن‌ها، می‌تواند سرمشق و الگوی بانوان در تمام زمان‌ها باشد.

### همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله

یکی از بانوان بزرگ صدر اسلام حضرت خدیجه رضی الله عنها، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله است. این بانوای بزرگوار نیز در پوشش الگوی بزرگی برای بانوان است. بنا بر روایتی هنگامی که مردان بر سر سرای حضرت می‌ایستادند، ایشان از پشت درب و پرده نصب شده در مقابل درب منزل با نامحرمان گفتگو می‌کرد. حتی هنگامی که حضرت ابوطالب رضی الله عنه از پشت در با ایشان صحبت کرد، حضرت خدیجه رضی الله عنها نیز از پشت درب بر ایشان سلام فرستاد.<sup>۵</sup> بنا بر برخی گزارش‌ها حضرت هنگامی که در اول شب قصد بستن درب خانه را داشت، با حجاب به پشت درب می‌آمد و آن را می‌بست.<sup>۶</sup>

۱. همان، ج ۵، ص ۵۱۹.

۲. سلیمان بن اشعث ابی داود سجستانی، سنن بی‌داود، ج ۴، ص ۱۴۵۹.

۳. نعمان بن محمد ابن حیون مغربی، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۱۵.

۴. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَيُّمَا امْرَأَةٍ وَصَعَتْ خِمَارَهَا فِي غَيْرِ بَيْتِ زَوْجِهَا فَقَدْ هَتَكَتْ حِجَابَهَا»؛ همان، ج ۲، ص ۲۱۵.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۶۸.

۶. رضی‌الدین علی بن یوسف حلّی، العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة، ص ۲۲۱.

در روایتی از ابن عباس آمده است روزی امام علی علیه السلام به در منزل پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و درب را آهسته کوبید. پیامبر صلی الله علیه و آله کوبنده در را شناخت، اما ام سلمه او را نشناخت. حضرت به او فرمود: «برخیز، درب را باز کن». ام سلمه عرض کرد: «یا رسول الله! این کیست که از او در امانی و مرا مأمور می کنی که درب را برایش بگشایم و حال آنکه دیروز درباره ما فرموده خدای عزوجل نازل شده است که ای مؤمنین! هر گاه چیزی را از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله خواستید، آن را از پشت حجاب طلب کنید. حال این کیست که من در امان باشم و با روی باز با او مقابل شوم؟». ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله با هیبتی غضبناک به او فرمود: «کسی که رسول را اطاعت نماید، در واقع خدا را اطاعت نموده است. برخیز، درب را باز کن. پشت درب مردی است که به کارش جهل ندارد و شتابان نیست. خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند. مطمئناً بدان وقتی قفل درب را باز کردی، او درب را نخواهد گشود؛ مگر وقتی که دیگر صدای قدم‌های تو را نشنود». ام سلمه در حالی که نمی دانست پشت درب کیست، اما به سبب مدح پیامبر صلی الله علیه و آله درباره او برخاست و به طرف درب رفت؛ در حالی که می گفت: «به به و خوشا به حال کسی که خدا و رسولش را دوست دارد و آن‌ها نیز او را دوست دارند»، درب را گشود.<sup>۱</sup>

### حضرت زهرا علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام که خود از اهل بیت عصمت و طهارت بشمار می روند، احادیث و گزارش‌های متعددی از حیای ایشان حکایت دارد؛ چنانکه در روایت آمده است هنگام ایراد خطبه فدکیه، حضرت «لَا تَنْتَ خِمَارَهَا عَلٰی رَاسِهَا وَ اَشْتَمَلْتُ بِجَلْبَابِهَا؛ خمار (مقنعه) و جلباب (چادر) خود را پوشید و به مسجد رفت».<sup>۲</sup> در روایت دیگری حضرت از عبا استفاده کرد و مقداری از آن را به کمر بست.<sup>۳</sup> منظور از عبا در پوشش زنان، همان چادر است. شیخ صدوق رحمته الله علیه می نویسد: «هر گاه حضرت زهرا علیها السلام از خانه بیرون می رفت، از جلباب و برقع استفاده می کرد».<sup>۴</sup> برقع (نقاب) در این روایت، همان پوششی است که زنان بر روی صورت خود استفاده می کنند. حجاب حضرت فاطمه علیها السلام در عین کامل بودن، ساده و بی پیرایه بود. حضرت در برخی موارد چادر کهنه‌ای بر سر می کرد که دوازده جای آن با لیف خرما وصله داشت. وقتی سلمان فارسی

۱. محمد بن علی صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۶۵.

۲. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۹۸.

۳. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۱۰۶.

۴. محمد بن علی صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۳.

نگاهش به آن چادر افتاد، گریه کرد و فرمود: «وامصیبتا! دخترهای پادشاهان روم و ایران، ایریشم و حریر به تن می‌کنند و دختر محمد صلی الله علیه و آله چادر کهنه‌ای دارد که دوازده جای آن وصله شده است». <sup>۱</sup> این موارد تنها نمونه‌هایی از شیوه پوشش و حجاب حضرت فاطمه علیها السلام است. کرده نازل به بشر حضرت رب الارباب آیه حجب و حیا، سوره نور و احزاب رو نظر کن که خداوند تبارک فرمود پوشش زن بود ای بانوی مومن، جلباب یادگار است ز زهرای بتول این چادر فاطمه مظهر حجب است و عفاف است و حجاب

### سایر بانوان منتسب به اهل بیت علیهم السلام

کسانی که در مکتب حضرت زهرا علیها السلام تربیت یافته بودند، حجاب برتر را بر می‌گزیدند. در گزارش‌های تاریخی آمده است ام‌کلثوم، دختر امام علی علیه السلام با چند کنیز از خانه بیرون رفت و خود و همراهانش رو بندی بر صورت داشتند. <sup>۲</sup> عمل و تأکید بر حجاب تنها به همسرانی که مادر ائمه علیهم السلام بودند، اختصاص ندارد؛ بلکه هر کس مفتخر به همسری امام علیه السلام می‌شد، حجاب و پوشش برتر را بر می‌گزید. اگر چه گزارش‌ها درباره شخصیت و نوع زندگی این بانوان محترمه در تاریخ بسیار اندک است، اما نمونه‌هایی وجود دارد که می‌توان با معیار قرار دادن این گزارش‌ها، به نوع پوشش بانوان منتسب به اهل بیت علیهم السلام پی برد. برای مثال در گزارشی آمده است حتی کنیزانی که در منزل معصومین علیهم السلام بودند، نسبت به حجاب حساسیت خاصی داشتند. یکی از کنیزان منتسب به اهل بیت علیهم السلام، ام‌احمد مادر حضرت شاهچراغ و همسر امام کاظم علیه السلام است که زنی بسیار بزرگوار و مقید به ولایت بود. امام کاظم علیه السلام قبل از عزیمت به بغداد، ودایع امامت را به ایشان سپرد تا به امام بعدی بسپارد. ایشان نیز امانت‌داری کرد و پس از شهادت امام کاظم علیه السلام، ودایع را به امام رضا علیه السلام تقدیم کرد؛ اما برخی برادران حضرت حسادت کردند و نزد قاضی مدینه شکایت نمودند. وقتی امام رضا علیه السلام در دادگاه حاضر شد، بانو ام‌احمد نیز به عنوان شاهد حاضر شد. شاکی در حضور قاضی اعتراض کرد که این بانو صورتش را پوشانده است، از کجا بدانیم که او واقعا ام‌احمد است؛ پس باید نقاب بردارد. در این هنگام ام‌احمد نقابش را در حد صورت بالا زد. پس از دادگاه این بانو با ناراحتی به فرزندانش گفت: «امام کاظم علیه السلام از قبل به من خبر داده بود روزی این فرزندان، شما را از خانه بیرون می‌کشاند و مجبور می‌شوی صورتت را آشکار

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۸، ص ۳۰۳.

۲. محمد بن محمد مفید، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، ص ۲۷۵.

کنی».<sup>۱</sup>

## حجاب در اسارت

بانوان منتسب به اهل بیت علیهم‌السلام نه تنها در شرایط عادی به شدت حجاب خود را رعایت می‌کردند؛ بلکه هنگام اسارت نیز می‌کوشیدند حجاب‌شان را حفظ نمایند. بانوان حرم چند لایه پوشش داشتند و با برداشتن پوشش‌های اولیه توسط سپاه عمر بن سعد، کاملاً مکشوفه نشدند. آنچه گاه از روی تسامح در اشعار و نقل قول‌های غیرعلمی درباره برداشتن حجاب در کربلا گفته می‌شود، صحت ندارد. این مسئله به معنای تردید در اوج بی‌رحمی طرف مقابل نیست؛ زیرا آن‌ها برای غارت به خیمه‌ها حمله کردند؛ چنانکه در برخی منابع آمده است مردی خلخال را از پای فاطمه بنت الحسین علیها‌السلام در می‌آورد و می‌گریست. فاطمه بنت الحسین علیها‌السلام پرسید: «چرا می‌گریی؟». مرد گفت: «دارایی دختر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به تاراج ببرم و نگریم؟». فاطمه گفت: «پس آن را رها کن». مرد گفت: «می‌ترسم فرد دیگری آن را بردارد».<sup>۲</sup>

از مجموع گزارش‌ها چنین به دست می‌آید که بانوان اهل بیت علیهم‌السلام لباس‌های متعددی بر تن داشتند و دشمن فقط توانست لباسی رویین آن‌ها را غارت کند که همین اندازه نیز برای بانوانی که تا به حال نامحرم آن‌ها را ندیده بود، بسیار سخت و دشوار بود. در منابع متعددی آمده است نقاب از صورت آن‌ها برداشته شد، نه پارچه‌ای که روی سرشان بود. این مطلب هنگام حرکت از کربلا به کوفه گزارش شده است که زنان بر شتر بی‌جهاز و صورت‌های باز قرار داشتند: «حَمَلَ نِسَاءَهُ عَلَىٰ أَخْلَاسِ أَقْتَابِ الْجَمَالِ بَغَيْرِ وَطْأٍ مُكَشَّفَاتِ الْأُجُوهِ بَيْنَ الْأَعْدَاءِ وَهُنَّ وَدَائِعُ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ»<sup>۳</sup> سپس اهل و عیالی را که از امام حسین علیه‌السلام باقی مانده بودند، حرکت داد. زنان را بر شتران بی‌جهاز سوار کرد. زنان در میان دشمنان با صورت‌های باز بودند، در صورتی که آنان امانت‌های بهترین پیامبران بودند».

این شیوه تا آخرت اسارت پا برجا بود؛ زیرا گزارش‌ها حاکی از آن است که با این وضع یعنی صورت باز وارد دمشق شدند: «فَلَمَّا دَخَلْنَا دِمَشْقَ أُدْخِلَ بِالنِّسَاءِ وَ السَّبَايَا بِالنَّهَارِ مُكَشَّفَاتِ الْأُجُوهِ»<sup>۴</sup> چون به شام رسیدیم، روز روشن زنان و اسیران را با صورت‌های باز وارد کردند».

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۱۸.

۲. محمد بن علی صدوق، الامالی، ص ۱۶۵.

۳. علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۴۳.

۴. محمد بن علی صدوق، الامالی، ص ۱۶۶.

حضرت زینب علیها السلام نیز در مجلس یزید خطاب به وی فرمود:

أَمِنْ الْعَدْلِ يَا ابْنَ الطَّلَقِ تَخْدِيرُكَ حَرَائِرِكَ وَإِمَاءَكَ وَ سَوْفَكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ سَبَايَا  
 قَدْ هَتَكَتِ سُتُورَهُنَّ وَ أَبْدَيْتِ وُجُوهَهُنَّ تَخْدُو بِهِنَّ الْأَعْدَاءَ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ وَ تَسْتَشْرِفُهُنَّ  
 الْمَنَاقِلَ وَ يَتَبَرَّزْنَ لِأَهْلِ الْمَنَاهِلِ وَ يَتَصَفَّحُ وُجُوهَهُنَّ الْقَرِيبُ وَ الْبَعِيدُ وَ الْغَائِبُ وَ الشَّهِيدُ وَ  
 الشَّرِيفُ وَ الْوَضِيعُ وَ الدُّنْيِيُّ وَ الرَّفِيعُ؛<sup>۱</sup> ای پسر کسانی که جدمان (پیامبر صلی الله علیه و آله) در فتح مکه  
 اسیرشان کرد و سپس آن‌ها را آزاد نمود؛ آیا از عدالت است که تو زنان و کنیزان خود را پشت پرده  
 بنشانی و دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله را به صورت اسیر به این سو و آن سو بکشانی؟ پوشش و  
 حجاب آنان را بدری و روی آنان را بگشایی تا دشمنان آنان را از شهری به شهری ببرند و بومی و  
 غریب چشم به آن‌ها دوزند و نزدیک و دور، شریف و پست، چهره آن‌ها را بنگرند؟

مؤید این مطلب، گزارش‌هایی است که واژه «مِلْحَفَه» در آن آمده است.<sup>۲</sup> لغت‌شناسان ملحفه را  
 به معنای لباسی دانسته‌اند که روی سایر لباس‌ها می‌پوشند.<sup>۳</sup> اگر چه در برخی منابع آمده است  
 که مقنعه آن‌ها از سرشان برداشته شد: «تُسَلَبُ الْمَرْأَةُ مِقْنَعَتُهَا مِنْ رَأْسِهَا»،<sup>۴</sup> اما با کنار هم  
 گذاشتن این گزارش‌ها می‌توان گفت که حتی در این نمونه از گزارش‌ها نیز منظور کشف کامل  
 حجاب نیست؛ زیرا برداشتن مقنعه به معنای برداشتن تمام پارچه‌های روی سر نیست.

همین مقدار اهانت و یه یغما بردن لباس‌ها چنان مورد حساسیت اسرا بود که وقتی از روی ترحم  
 برای آن‌ها لباس آوردند، حضرت زینب علیها السلام قبول کرد<sup>۵</sup> و بنا بر نقلی مواد غذایی را از آن‌ها قبول  
 نکرد و پس داد.<sup>۶</sup> همچنین تا فرصتی پیش می‌آمد زنان تقاضای استرداد لباس‌های یغما رفته را  
 می‌کردند؛<sup>۷</sup> حتی با آنکه یزید بهترین عزیزان حضرت را به شهادت رساند و بدترین ظلم‌ها را بر  
 آن‌ها روا داشت، اما نخستین اعتراض حضرت زینب علیها السلام در خطبه شام، پوشش اسرا بود.<sup>۸</sup>

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۰۸.

۲. محمد بن علی صدوق، الامالی، ص ۱۶۵.

۳. المِلْحَفَةُ: اللباس الذي فوق سائر اللباس من دثار البرد و نحوه؛ محمد بن مكرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۳۱۳.

۴. جعفر بن محمد ابن نما حلی، مثير الأحزان، ص ۷۶.

۵. علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۴۴.

۶. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۱۴.

۷. محمد بن محمد مفید، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ص ۱۱۳.

۸. علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۸۲.

بنابراین در سیره اهل بیت علیهم السلام حتی در سختترین شرایط نیز تلاش بر حفظ حجاب بود. یاری دین خدا، بهر زنان است حجاب نیست محدود نمودن که امان است حجاب هرزه، چشمش بی زنهاست که آراسته‌اند پس همه فایده، و رفع زیان است حجاب کشتن حجب و حیا هست یقین کشف حجاب باعث راحتی روح و روان است حجاب نعمتی نیست چو چادر به زنان در عالم بهترین تحفه زن در دو جهان است حجاب

### فهرست منابع

۱. ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۳۸۵ق.
۲. ابی داوود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داوود، شارح عبدالخیر عبدالقادر، چاپ اول، مصر: دارالحديث، ۱۴۲۰ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه احمد فهری زنجانی، چاپ اول، تهران: جهان، ۱۳۴۸ش.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق جمال‌الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۵. ابن نما حلی، جعفر بن محمد، مثير الأحزان، چاپ سوم، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
۶. البغدادی، محمد بن حبيب، المنمق فی اخبار قریش، تحقیق خورشید احمد فاروق، الطبعة الاولى، بیروت: عالم الکتب، ۱۹۸۵م.
۷. ثعالبی، عبدالملک بن محمد، ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب، ترجمه رضا انزابی نژاد، چاپ اول، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۶ش.
۸. حلی، رضی‌الدین علی بن یوسف، العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة، چاپ اول، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، چاپ اول، بیروت - دمشق: دارالقلم - دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۰. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، تحقیق حسین احمد مصطفی، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۱. صدوق، محمد بن علی، الامالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.



۱۲. \_\_\_\_\_، علل الشرایع، چاپ اول، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ش.
۱۳. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تصحیح محمدباقر خرسان، چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۱۴. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، چاپ چهارم، قم: الشریف الرضی، قم، ۱۳۷۰ش.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، تصحیح عبدالله تهرانی و علی احمد ناصح، چاپ اول، قم: دار المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۷. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۸. \_\_\_\_\_، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.